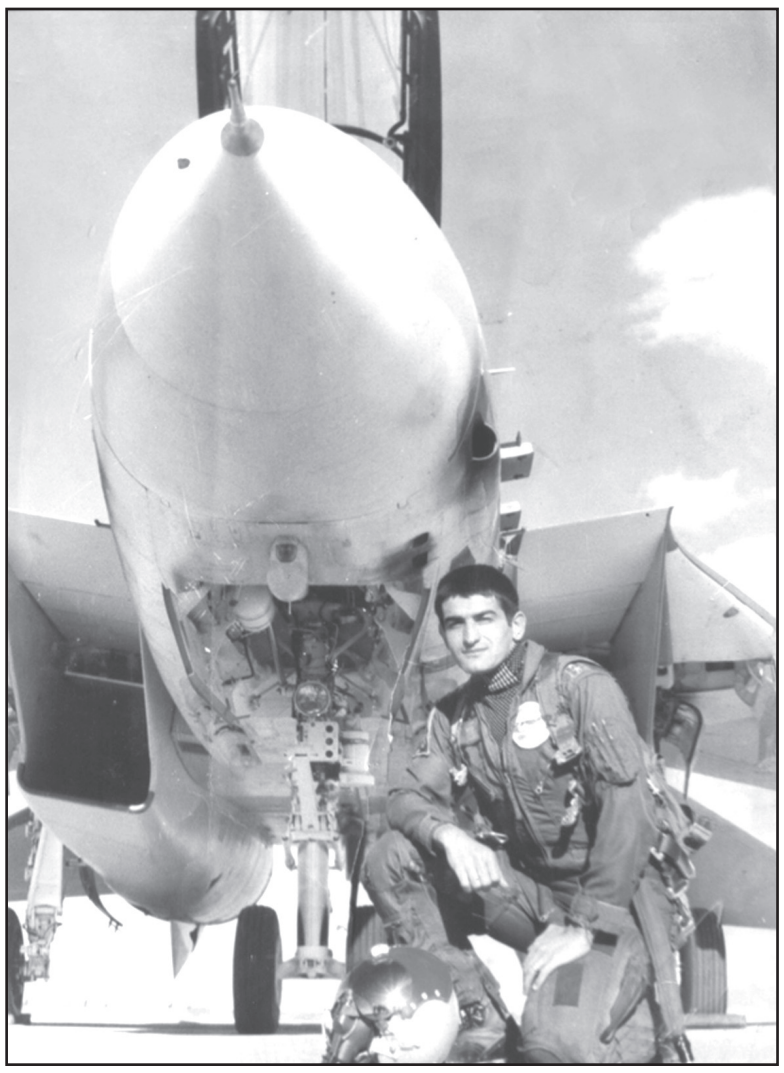

۱۵ مرداد حماسه‌ای که با وداع بابایی رقم خورد

سالگرد شهادت عقاب آسمانها، سرلشگر خلبان، عباس بابایی

***حسن شکیب زاده**

عباس و زینب (س) روزگار گذرانیدند..

پدر بزرگوار عباس را همه به عنوان تعزیه گردانی می‌شناسند که سالها عمر و زندگی خود را وقف این همایش بزرگ مذهبی کرده و صحن حیاط خانه شان در خیابان سعدی، منزلگه دوستداران حسین(ع) و یاران باوفای او بود.

عباس هم در چنین محیط عارفانه‌ای بدنیا آمد و با نقش‌های مختلفی که در برنامه‌های تعزیه اجرا میشد، تا حقانیت ائمه اطهار(ع) را در طول تاریخ به ثبت برساند، عجین شد، او بعضا در تعزیه‌ها هم نقش می‌گرفت تا در پاسداری از خون سالار و سید شهدای کربلا، از آن بهره ببرد.

صدیقه حکمت، همسر شهید بابایی می‌گوید: عباس به تعبیر من، سربازی واقعی برای اسلام و ولایت بود و همه خصوصیات یک سرباز فدایی را داشت.

او همیشه تاکیدش بر این بود که ما و همه هستی ما، در مقابل آن سرمایه ارزشمندی که باید حفظ شود، خیلی کم ارزش است و آنچه که به جان ما اهمیت و ارزش می‌بخشد، این است که آن را به عنوان بهای بقای اسلام بپردازیم!

***درحال خواندن نماز بودم که متوجه شدم ژنرال آمریکایی وارد اتاق شده است. با خود گفتم چه کنم؟ نماز را ادامه بدهم و یا بشکنم؟ بالاخره گفتم نماز را ادامه می‌دهم و هر چه خدا بخواهد همان خواهد شد. سرانجام نماز را تمام کردم و درحالی که بر روی صندلی می‌نشستم از ژنرال عذرخواهی کردم. ژنرال پس از چند لحظه سکوت، نگاه معناداری به من کرد و گفت: چه می‌کردی؟ گفتم: عبادت...**

***روایت سرتیپ خلبان نادری از آخرین پرواز**

هدف، انجام یک ماموریت جنگی بود، نیروهای عراقی در پشت سردشت پیاده شده و درحال تجهیز خود بودند. آنها قصد حمله داشتند و اینکه به طرف سردشت بیایند. از طرفی قرار بود نیروهای سپاه پاسداران در آنجا عملیاتی انجام دهند و ما ماموریت داشتیم که از عملیات آنها پشتیبانی کنیم.

پرواز را شروع کردیم، شهید بابایی طی مسیر از کابین عقب راهنمائیهای لازم را انجام می‌داد و مسیرها و نشانه‌های معابر، پل، ارتفاع و یا جاده‌ها را به من نشان می‌داد.

وارد خاک دشمن شدیم، نزدیک هدف قرار گرفتیم، کار اوج گیری را آغاز کردیم و بعد روی هدف شیرجه رفتیم، در یک آن بمب‌ها را روی هدف ریختیم، انگار همه به هدف خورده بود، درحال بازگشت دیدیم که هدف به طور کامل منهدم شده است و ما در پوست نمی‌گنجیدیم.

برگشتیم. در مسیر برگشت، یک فضای بسیار سرسبزی بود که حالت معنویت و روحانیت خاصی به آدم میداد. بابایی نگاهی به منطقه فوق کرد و درحال شکرگزاری بود، بخاطر موفقیتی که بدست آورده بودیم تکبیر می‌گفت و با خدای خود گفتگو می‌کرد، در همین حال ناگهان انفجاری در هواپیما رخ داد و همه اوضاع را به هم ریخت...

سرتیپ خلبان، علی محمد نادری، همرزم شهید عباس بابایی است، کسی که در آخرین پرواز عقاب جبهه‌ها او را همراهی می‌کرد. او از آخرین پرواز عاشقانه بابایی می‌گوید: با صدای انفجار، صدای بابایی هم خاموش شد و من همچنان در فکر هدایت و کنترل هواپیما بودم، علیرغم اینکه خود نیز از چند ناحیه زخمی شده بودم، اجبارا از ارتفاع پایین آمدم، در آن لحظه و در لابلای دره‌ها، درحال برخورد با ارتفاعات بودیم که با خواست خدا و معجزه آسا، از آن وضعیت خارج شدیم.

بعد از گذراندن وضعیت فوق، تصور اولیه‌ام این بود که بابایی دسته "صندلی پران" را کشیده و یا اشتباهی صورت گرفته و دسته صندلی پران کشیده شده و ایشان هم با آن پایین پریده است.

از طرفی هم هرچه که از طریق تلفن داخلی او را صدا می‌زدم، جز سروصدای شدید باد، صدای دیگری را نمی‌شنیدم، لذا این تصور هم برایم پیش آمد که بابایی به هر دلیلی از کابین بیرون پریده است، تا اینکه آیینه‌ای که در کابین جلو تعبیه شده است را تنظیم کردم که وضعیت کابین عقب را ببینم، وقتی آیینه را تنظیم کردم، متأسفانه دیدم که "صندلی پران" که باید خلبان را از کابین بیرون ببرد، سرجایش است و چتر نجات خلبان هم پاره شده است، آنجا بود که به این واقعیت پی بردم که بابایی با صندلی بیرون نرفته است.

سرتیپ نادری، درحالی که بعض گلویش را گرفته و اشک در چشمانش جاری می‌شود، ادامه می‌دهد: خلاصه هواپیما را به سمت پایگاه هدایت کردم، همه چیز برای نشستن مهیا شده بود، هواپیما را با تدابیر خاص متوقف کردم، بالافاصله رفتم سراغ کابین عقب، دیدم متأسفانه کابین تقریبا کاملا متلاشی شده و شی‌ای به گلوی بابایی اصابت کرده و شاهرگ‌هایش را پاره کرده است، قفسه سینه‌اش شکسته شده بود و وضع او طوری بود که چنانچه اگر در همان لحظه اصابت هم به بیمارستان منتقل می‌شد، به دلیل اینکه خون زیادی از وی رفته بود و قفسه سینه و سیستم تنفسی‌اش باز شده بود، امکان نجاتش نبود، لذا به احتمال قوی بابایی در دم به شهادت رسیده بود.

اما جالب است که بگوییم، موقعی که بچه‌ها آمدند و جنازه بابایی را از کابین هواپیما منتقل کردند، درست مقارن بود با نماز ظهر روز جمعه عید قربان و براستی بابایی قربانی راه اسلام شد.

داستان زندگی شهید بسیجی عباس بابایی، داستان یک نهال نورسته جوانی است که سر از زمین حاصلخیز انقلاب اسلامی بیرون آورده و در پرتو آفتاب احیاگر و نیروبخش وجود امام، قد کشید، به شاخ و برگ نشسته و تبدیل به غنچه شد، سپس شکوفا شد تا به ثمر رسیده و سرانجام نیز به پای ارزشهای انقلاب پرپر شود.

***طلوع عباس**

عباس در سال ۱۳۲۹ در محرومترین منطقه در قزوین، دیده به جهان هستی گشود، آن هم در خانواده‌ای که با عشق حسین(ع)، دست خالی و بدون دریافت گواهینامه خلبانی به ایران باز گردم. در همین فکر بودم که در اتاق به صدا در آمد و شخصی اجازه خواست تا داخل شود. او ضمن احترام، از ژنرال خواست تا برای کار مهمی به خارج از اتاق برود، با رفتن ژنرال، من لحظاتی را در اتاق تنها ماندم. به ساعتم نگاه کردم؛ وقت نماز ظهر بود. با خود گفتم کاش در اینجا نبودم و می‌توانستم نماز را اول وقت بخوانم. انتظارم برای آمدن ژنرال طولانی شد. با خودگفتم که هیچ کار مهمی بالاتر از نماز نیست، همین جا نماز را می‌خوانم. ان شاءالله تا نمازم تمام شود او نخواهد آمد.

به گوشه‌ای از اتاق رفتم و روزنامه‌ای را که در آنجا بود به زمین انداختم و مشغول خواندن نماز شدم. درحال خواندن نماز بودم که متوجه شدم ژنرال وارد اتاق شده است. با خود گفتم چه کنم؟ نماز را ادامه بدهم و یا بشکنم؟ بالاخره گفتم نماز را ادامه می‌دهم و هر چه خدا بخواهد همان خواهد شد.

سرانجام نماز را تمام کردم و درحالی که بر روی صندلی می‌نشستم از ژنرال عذرخواهی کردم. ژنرال پس از چند لحظه سکوت، نگاه معناداری به من کرد و گفت: چه می‌کردی؟

گفتم: عبادت می‌کردم.

گفت: بیشتر توضیح بده.

گفتم: در دین ما دستور بر این است که در ساعت‌هایی معین از شبانه روز باید با خداوند به نیایش بپردازیم و در این ساعت زمان آن فرا رسیده بود؛ من هم از نبودن شما در اتاق استفاده کردم و این واجب دینی را انجام دادم.

ژنرال با توضیحات من در اتاق سری تکان داد و گفت: همه این مطالبی که در پرونده تو آمده مثل اینکه راجع به همین کارهاست. این طور نیست؟

پاسخ دادم: آری همین‌طور است.

او لبخندی زد. از نوع نگاهش پیدا بود که از صداقت من خوشش آمده است. با چهره‌ای بشاش خود نویس را از جیبش بیرون آورد و پرونده‌ام را امضا کرد. سپس با حالتی احترام آمیز از جا برخاست و دستش را به سوی من دراز کرد و گفت: به شما تبریک می‌گویم. شما قبول شدید. من برای شما ارزوی موفقیت دارم.

من هم متقابلاً از او تشکر کردم. احترام گذاشتم و از اتاق خارج شدم. آن روز به اولین محل خلوتی که رسیدم به پاس این نعمت بزرگی که خداوند به من اعطا کرده بود دو رکعت نماز شکر خواندم.

بابایی، پس از بازگشت به ایران، در سال ۱۳۵۱ با درجه ستوان دومی در پایگاه هوایی دزفول مشغول خدمت شده و در سال ۱۳۵۵ نیز، پس از طی دوره آموزشی هواپیمای پیشرفته F-۱۴ آماده پرواز و انتقال به پایگاه هوایی اصفهان شد.

بابایی را همه زمینی‌ها می‌شناسند، همانگونه که همه آسمانی‌ها شناختند و او را همراه خود کردند. خاطرات بجا مانده از یاران، دوستان، بستگان و همرزمان آن شهید، نشاندهنده مردمی بودن، انقلابی بودن و ساده زیستی این سرباز امام زمان (عج) است.

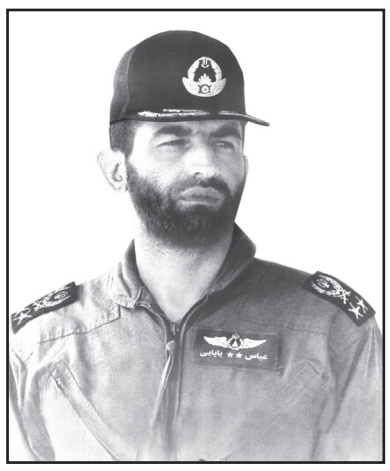

***شهید بابایی و نیروی هوایی ارتش**

شهید عباس بابایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیتهای انقلابی خود را گسترش داده و در هفتم مرداد سال ۱۳۶۰ به درجه سرهنگ دومی ارتقا یافته و فرماندهی پادگان هشتم شکاری اصفهان را بعهده گرفت.

او نهم آذرماه سال ۱۳۶۲ به درجه سرهنگ تمامی ترفیع یافت و به معاونت عملیاتی فرماندهی نیروی هوایی منصوب و عازم ستاد فرماندهی تهران شد.

بابایی را در طول دفاع مقدس با ویژگیهای منحصر به فردش می‌شناسند، سربازی عاشق و شیفته امام راحل و گوش به فرمان او، رزمنده بسیجی و مخلصی که فرامین رهبر انقلاب را با جان و دل پذیرفته و همیشه آمادگی دفاع از میهن اسلامی و ستیز با دشمنان انقلاب و اسلام را داشت.

خانم حکمت، همسر گرانقدر شهید بابایی در خصوص دست بوسی امام، توسط عباس می‌گوید: آن روز عباس را که دیدم خیلی پرشوق و ذوق بود و صورتش از فرط خوشحالی برافروخته بود، از علت خوشحالی‌اش که پرسیدم، گفت: امروز با عزیزترین کس دنیا دیدار دارم.

او بعد از دیدار با حضرت امام، شور و حال عجیبی پیدا کرده بود، به طوری که دیدار با امام برای همیشه عمرش سرمایه‌ای شد که تا آخرین لحظات زندگی، از آن لحظات و آن روز به عنوان شیرین‌ترین روز حیات خود نام می‌برد.

شهید بابایی در طول سالهای دفاع مقدس، با روحیه تلاش، ایثار و شهادت طلبی که داشت با بیش از ۳ هزار ساعت پرواز با انواع هواپیماهای جنگی، قسمت اعظم عمر خویش را در طول این سالها، یا در پروازهای عملیاتی و یا در چهره و هیات یک بسیجی متواضع در قرارگاهها و جبهه‌های جنگ تحمیلی در غرب و جنوب کشور سپری کرد.

او چهره آشنای بسیجیان و یار وفادار فرماندهان قرارگاههای عملیاتی بود. چهره‌ای که با عنوان نامش، لرزه بر تن دشمنان افتاده و به گفته خواهر شهیدش: وقتی عباس به شهادت رسید، رادیو آمریکا اعلام کرد: "جوانترین ژنرال دنیا کشته شد."

بابایی از سال ۱۳۶۴ تا هنگام شهادت، بیش از ۶۰ ماموریت جنگی را با موفقیت کامل به انجام رسانید تا اثبات کند یاران روح‌الله بیمی از مقابله با دشمنان انقلاب و اسلام ندارند.

داستان زندگی شهید بابایی به عبارتی، داستان یک انقلاب است که حوادث گوناگونی را در خود جای داده است. پرداختن به مجموعه حوادث دوران زندگی این یادگار امت، انسان را ناخودآگاه از ذکر حوادث دیگر غافل می‌کند، انقلابی که در سیر تحولات و دگرگونیهایش، خصلت‌ها و سیرتهای طاغوتی رنگ باخته و ارزشها و آداب الهی احیا می‌شوند.

***آخرین وداع با شهید بابایی به روایت خانم حکمت**

صدیقه حکمت، همسر شهید بابایی در خصوص آخرین وداع و دیدارش با عباس می‌گوید: دیدار آخر ما در مسجد الهادی بود، آنجا به همراه دیگر اعضای کاروان عازم به حج بودیم، البته قرار براین بود که عباس هم با ما به سفر حج بیاید، اما به دلیل شرایط حساسی که وجود داشت، ایشان از من خواست که بروم و او نیز بعدا به ما ملحق خواهد شد.

آنروز عباس هم برای مشایعت آمده بود و در آخرین لحظات خداحافظی از من مکرر می‌خواست: وقتی به حضور حضرت رسول اکرم (ص) رسیدم، این ۳ خواسته او را از حضرتش بخواهم: اول سلامتی امام، دوم عاقبت به خیری جوانان و مملکت و سوم اتمام جنگ با پیروزی اسلام.

در دقایق خداحافظی در مسجد، یک مداح بود که داشت مداحی می‌کرد، عباس هم روبرویش ایستاده بود، ناگهان مداح در میان تعجب و حیرت همه، با صدای بلند گفت: "برای شادی روح شهید عباس بابایی صلوات"! این نکته برای حاضرین غیر قابل تحمل بود، عده‌ای به او اعتراض کردند و آن بنده خدا هم قسم خورد که این کلام ناخودآگاه از زبانش خارج شده است و می‌گفت: من خودم هم عباس را روبروی خودم می‌دیدم، اما نمی‌دانم چه شد که این کلام را به زبان آوردم!

***هواپیما را به سمت پایگاه هدایت کردم، هواپیما را با تدابیر خاص متوقف کردم، بالافاصله رفتم سراغ کابین عقب، دیدم متأسفانه کابین تقریبا کاملا متلاشی شده و شی‌ای به گلوی بابایی اصابت کرده و شاهرگ‌هایش را پاره کرده است**

او ادامه می‌دهد: عباس خیلی کم در مورد ماموریت‌هایش صحبت می‌کرد، اما یکبار او را خیلی نگران دیدم، علت را پرسیدم، گفت: "نگرانیم از این بابت است که چرا هنوز لایق شهادت نشده‌ام"!

سرلشگر عباس بابایی، معاون عملیاتی نیروی هوایی، ۱۵ مرداد سال ۱۳۶۶ درست ظهر روز عید قربان بود که نه در صحرای سوزان عربستان، که در آسمان نیلگون پر رمز و راز الهی، پرواز را جاودانه ساخت.

او که در آخرین کلام‌ها، خطاب به همرزم آخرین پروازش گفته بود: "نگاه کن ! اینجا مثل بهشت است، می‌بینی؟ الله‌اکبر! الله‌اکبر..."، چه زود و در سن ۳۷ سالگی خاموش شد تا سرگذشتی برای بیداری نسل امروز و فرداهای ایران اسلامی باشد.

فراخوان برگزاری مناقصه عمومی تک مرحله‌ای فشرده شماره ۱۴۰۲/۱۴

سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور
اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان تهران

نوبت اول

اداره کل نوسازی ، توسعه و تجهیز مدارس استان تهران در نظر دارد با رعایت قانون برگزاری مناقصات و آئین نامه های مربوطه، مناقصه یک مرحله ای فشرده پروژه های مشروحه ذیل از از محل اعتبارات طرح های تملک دارایی‌های سرمایه ای (به تناسب تامین و ابلاغ تخصیص اعتبار به صورت نقدی یا پرداخت تمام یا بخشی از مبلغ مناقصه، از محل "اسناد خزانه اسلامی" خواهد بود) را به انجام برساند لذا از کلیه شرکتهای پیمانکاری واجد شرایط که امکانات لازم و صلاحیت و سوابق اجرائی و تخصصی مورد بحث را دارا میباشند دعوت بعمل می آید با توجه به شرایط عمومی و اختصاصی مندرج در اسناد اقدام نمایند. توضیح اینکه کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی، تحویل اسناد و مدارک، ارسال دعوتنامه، ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی صاحبان امضاء مجاز و مهر الکترونیکی شرکت را جهت مشارکت در مناقصه محقق سازند.

ردیف	عنوان پروژه	نوع اعتبار	محل اجرا	وضعیت	برآورد ریالی	مبلغ تضمین فرآیند ارجاع کار (ریال)
۱	استانداردسازی گرمایشی شهید فاطمیون فدک فشافویه، نظامی گنجوی م ۱، فاطمه الزهراء پاکدشت، مدرسه امام حسن قرچک، سالن ورزشی طارند پیشوا، مدرسه ۱۷ شهریور ورامین، مدرسه البرز م ۶، مدرسه پازوکی پاکدشت	نقد	فشافویه، منطقه۱، پاکدشت، قرچک، پیشوا، ورامین، منطقه ۶	مرحله دوم	۹۷/۰۵۵/۲۸۲/۶۵۵	۴/۸۵۲/۷۶۴/۱۳۳
۲	تکمیل سالن چند منظوره شهدای استثنایی ملارد	*نقد و اسناد	ملارد	مرحله دوم	۳۱/۵۳۶/۳۰۰/۳۱۱	۱/۵۷۶/۸۱۵/۰۱۶
۳	تکمیل مدرسه ۱۲ کلاسه روستای یوسف صدیق محمودآباد ناحیه ۱ شهری	*نقد و اسناد	ناحیه ۱ شهری	مرحله دوم	۱۸۲/۸۵۳/۴۰۷/۴۷۰	۹/۱۴۲/۶۷۰/۳۷۴

***نقد و اسناد: به تناسب تامین و ابلاغ تخصیص اعتبار به صورت نقدی یا پرداخت تمام یا بخشی از مبلغ مناقصه، از محل "اسناد خزانه اسلامی" خواهد بود**

تاریخ انتشار فراخوان در روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۵ می باشد.
تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۶ خواهد بود.
آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه عمومی: ساعت ۱۳ روز پنجشنبه تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۹
مهلت ارسال پاسخ مناقصه عمومی: ساعت ۱۳ روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۵
تاریخ بازگشائی مرحله اول پاکت‌های مناقصه : ساعت ۸ صبح روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۶
این آگهی در سایت سازمان نوسازی به نشانی www.dresteh.ir نیز قابل رویت میباشد.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار : آدرس : تهران - بالاتر از میدان ونک - خیابان شهید خلیل زاده - اداره کل نوسازی مدارس استان تهران - واحد قراردادها و تلفن ۱-۸۸۷۷۹۵۱۰
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه و پشتیبانی مرکز ۱۴۵۶

اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان تهران

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۶۰۰۸۰۰۰۲۹۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رزن تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ابوالحسن کیانی راغب به شناسنامه شماره ۳۹۶۶ کدملی ۳۹۹۱۳۹۲۰۷۰ صادره از رزن فرزند عزیز در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی به مساحت ۴۱۸۹۸,۱۶ مترمربع پلاک شماره ۵۹۸ فرعی از ۱۹۵ اصلی قریه خورونده واقع در همدان بخش ۵ حوزه ثبت ملک رزن خریداری از دارنده سند شماره ۱۷۶۶ بنام حسینعلی فرزند محمدرضا محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۲۶

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲/۰۴/۳۱
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۳۰۰۴۰۰۵۳۲۰ مورخه ۱۴۰۲/۳/۲۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گرمی تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علیرضا صدیقی اضماره سفلی به شماره شناسنامه ۱۴۵ کدملی ۱۶۲۰۱۲۶۸۶۹ فرزند حمدالله نسبت به ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۷۲/۱۴ مترمربع قسمتی از پلاک ۷۷۴ فرعی از ۱۲۰ اصلی واقع در شهرستان گرمی بخش ۲۰ اردبیل حوزه ثبت ملک گرمی از مالکیت محمود سلطانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۷۴۳

تاریخ انتشار نوبت اول: روز شنبه مورخه ۱۴۰۲/۴/۳۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: روز یکشنبه مورخه ۱۴۰۲/۵/۱۵
سعید نیکخو ـ رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گرمی

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی (نوبت دوم)
شرکت تعاونی مسکن شماره دو کارکنان پشتیبانی و نوسازی هلیکوپترهای ایران به شماره ثبت ۵۳۲۵۱۱
تاریخ نشر: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

بدینوسیله مجمع عمومی عادی (نوبت دوم) در روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۲/۰۵/۳۰ ساعت ۱۴:۰۰ در مرکز آموزش شرکت پنها واقع در میدان آزادی - خیابان معراج - شرکت پنها برگزار می‌شود. لذا از کلیه اعضاء محترم تعاونی دعوت بعمل می‌آید شخصاً یا وکالتاً جهت انتخاب تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در این جلسه حضور بهم رسانید. اعضاء متقاضی به اعطای وکالت می‌بایست به همراه وکیل خود حداقل تا ۲۴ ساعت مانده به تشکیل مجمع در محل دفتر تعاونی شرکت جهت شناسایی و اخذ برگ ورود به جلسه حضور یابند. تأیید وکالت‌های موضوع با امضاء هیئت مدیره و بازرس شرکت و مهر تعاونی معتبر خواهد بود.

دستور جلسه: ۱ - ارائه گزارش هیأت مدیره مرتبط با طرح دعوی از شریک سازنده ۲ - تصویب صورت‌های مالی سال ۱۴۰۱ ۳ - تصویب بودجه پیشنهادی سال ۱۴۰۲ ۴ - ارائه گزارش بازرس تعاونی

رئیس هیأت مدیره تعاونی مسکن شماره ۲ کارکنان شرکت پنها
علی‌اکبر رحمانی

آگهی دعوت تشکیل مجمع عمومی عادی
شرکت تعاونی توسعه و عمران شهرستان دشتی مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۸
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

اعضاء محترم شرکت تعاونی توسعه و عمران شهرستان دشتی، بدینوسیله به اطلاع می رساند جلسه مجمع عمومی عادی نوبت اول در ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۸ در محل مرکز معاینه فنی به آدرس خورموج - بلوار بسیج - جنوب دره تاج آباد برگزار می گردد؛ از کلیه اعضاء دعوت می گردد تا جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در این جلسه حضور بهم رسانند.

دستور جلسه: ۱-تصویب ترازنامه ، حساب سود و زیان و صورتهای مالی سال ۱۴۰۱. ۲ - تعیین بودجه پیشنهادی هیات مدیره برای هزینه های سال ۱۴۰۲. ۳-انتخاب بازرس اصلی و علی البدل برای یکسال مالی

*در صورتیکه حضور عضوی در مجمع ممکن نباشد می تواند نماینده ای جهت حضور و اعمال رای در مجمع تعیین نماید در این صورت هر عضو می تواند وکالت ۳ عضو دیگر و هر غیر عضو تنها یک عضو دیگر را تقبل نماید. حضور توام وکیل و موکل الزامی می باشد. *از کلیه اعضایی که متقاضی نامنویسی جهت احراز سمت بازرسی می باشند حداکثر ظرف مدت ۵ روز از تاریخ انتشار آگهی همراه با مدارک هویتی به دفتر تعاونی به :آدرس بلوار بسیج - جنوب دره تاج آباد - جنب مرکز معاینه فنی مراجعه نمایند.

*زمان و مکان ارائه وکالتنامه : ۱۴۰۲/۰۶/۱۱ لغایت ۱۴۰۲/۰۶/۱۴ از ساعت ۸ تا ۱۲ - دفتر تعاونی

هیات مدیره شرکت تعاونی توسعه و عمران شهرستان دشتی

«آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت دوم»
«شرکت تعاونی مسافربری شماره ۱۰ مارال سیر ایرانیان»

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند نظر به اینکه جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت اول مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۰ بعلت عدم حضور عده کافی رسمیت نیافت، لذا بدینوسیله برای مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت دوم از کلیه اعضاء دعوت بعمل می‌آید تا در ساعت ۱۱:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۳۰ در محل دفتر تعاونی واقع در پایانه جنوب تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانید.

دستور جلسه:
۱ - استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس. ۲ - طرح و تصمیم‌گیری در خصوص صورتهای مالی منتهی به پایان سال ۱۴۰۱. ۳ - تعیین خط‌مشی و تصویب بودجه سال ۱۴۰۲. ۴ - انتخاب یک نفر بازرس اصلی و یک نفر علی‌البدل برای سال مالی ۱۴۰۲.

هیئت مدیره تعاونی مسافربری شماره ۱۰

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده
شرکت محیادارو (سهامی خاص)

از کلیه سهامداران محترم شرکت محیادارو (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۹۷۵۸۹ دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که در تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۵ ساعت ۱۱ در نشانی: استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، محله شهرک شهرداری، خیابان راه‌آهن، خیابان سولیران، پلاک ۱ شرکت محیادارو کدپستی: ۱۳۸۷۱۴۳۶۸۱ برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه: افزایش سرمایه

هیأت مدیره شرکت محیادارو (سهامی خاص)

شماره های تماس جهت درج آگهی در روزنامه جمهوری اسلامی:
۷۷۶۴۴۴۱۰-۷۷۶۴۴۴۱۱
نمابر: ۷۷۶۴۴۴۱۲